



An Explanatory Analysis of the Efficacy of the Islamic Revolution of Iran in Confronting Western Civilization: With Emphasis on the Second Step Statement of the Revolution

Abulqasem Hosseindoost

Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Abstract

Western civilization, while drawing upon Islamic civilization yet establishing the supremacy of humanism and the notion of separation of religion from politics, was founded upon principles of de-religionization and anti-religionism, making extensive efforts to destroy faith. The influence of Western civilization's domination over Islamic countries and Iran led to the emergence of contemporary religious reform movements such as the movement of Sayyid Jamal al-Din Asadabadi, the Tobacco Protest, the Constitutional Revolution, the Oil Nationalization Movement, among others - none of which ultimately achieved their objectives, though the consequences of each paved the way for the glorious Islamic Revolution of Iran. The glorious Islamic Revolution possesses an inherent nature crystallized in its fundamental principles, established upon an Islamic system based on Guardianship of the Islamic Jurist, which has challenged Western civilization through its soft power. The manifestations of the Islamic Revolution's efficacy from the perspective of the Second Step Statement are multifaceted, including: transforming theories about revolutions, creating a revolution distinct from others, initiating a new era in the contemporary world, and continuing its path as a living, dynamic, proud, progressive movement steadfast in its principles. Over several decades, the comprehensive growth of the Islamic Revolution has resulted in the decline of Western civilization and confrontation against the comprehensive aggression of arrogance. As Seyed Ali Khamenei states in the Second Step Statement of the Revolution: "The new bipolar confrontation between Islam and arrogance has become a prominent phenomenon of the contemporary world and the focal point of global attention".

Keywords: Efficacy, Islamic Revolution, Western Civilization, Second Step Statement





نگاهی تبیینی به کارآمدی انقلاب اسلامی ایران در برابر تمدن غرب، با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

ابوالقاسم حسین دوست

استادیار دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

تمدن غربی با بهره‌گیری از تمدن اسلامی و با حاکمیت بخشی به انسان‌پرستی، ایده جدایی دین از سیاست، و بر اساس دین‌زدایی و دین‌ستیزی پایه‌ریزی شد؛ همچنین برای نابودی دین تلاش فراوانی نمود. تأثیر سلطه تمدن غرب بر کشورهای اسلامی و ایران، موجب پیدایش جنبش‌های اصلاح‌گرایانه دینی معاصر شد، همچون نهضت سید جمال‌الدین اسدآبادی، تحریم تنباکو، مشروطه، ملی شدن نفت و ... که در نگاه کلی هیچ‌کدام به اهداف خود نرسید؛ ولی پیامدهای هرکدام زمینه‌ساز انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. انقلاب شکوهمند اسلامی دارای چنان ماهیتی است که در اصول و مبانی خود متبلور است، که بر اساس نظام اسلامی مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه پایه‌ریزی شده و تمدن غرب را با قدرت نرم خود، به چالش کشیده است. جلوه‌های کارآمدی انقلاب اسلامی در نگاه بیانیه گام دوم، مختلف است، که از جمله آن‌ها، تحول در نظریه‌های پیرامون انقلاب‌ها، ایجاد انقلابی متمایز از انقلاب‌های دیگر، آغازگر عصر جدید در جهان معاصر، زنده، پویا، سرافراز، پیشرو، و پاینده به اصول و مبانی خود، به حرکت خود ادامه داده است. باگذشت چندین دهه، رشد همه‌جانبه انقلاب اسلامی غروب تمدن غرب و مقابله با تهاجم همه‌جانبه استکبار را در پی داشته است. چنانچه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدیده برجسته جهان معاصر و قانون توجه جهانیان شد.

کلیدواژه‌ها: کارآمدی، انقلاب اسلامی، تمدن غرب، بیانیه گام دوم انقلاب.



مقدمه

بدیهی است حفظ، استمرار، گسترش و تعمیق این انقلاب شکوهمند اسلامی و دستاوردهای آن نیازمند هوشیاری و آگاهی بیشتر آحاد جامعه از ماهیت انقلاب اسلامی و اقدامات خصمانه دشمنان است. امروز دشمنان سعی می‌کنند با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین ماهیت انقلاب اسلامی و نظام مبتنی بر آن را وارونه و ناکارآمد جلوه دهند. و شاید بتوان گفت هیچ‌گاه به این اندازه اسلام و انقلاب اسلامی در محاصره تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمنان قرار نگرفته باشد. آن‌ها سعی می‌کنند به اصول و مبانی اسلام و انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن خدشه وارد نمایند. و جبهه انقلاب به دلیل برخی از چالش‌ها، فشارهای اقتصادی و ناکارآمدی بعضی از مدیران، شرایط دفاع از اسلام و انقلاب را بر خود سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌بیند. ما به‌منظور اطاعت از فرمان جهاد تبیین از سوی ولی فقیه جامعه، این نوشتار را با هدف تبیین کارآمدی انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم تدوین نموده‌ایم، تا قدمی در جهت روشنگری از چیستی انقلاب اسلامی، که زمینه اعتلایی اسلام و مکتب تشیع در ایران و جهان را ایجاد نموده و از سوی دیگر چیستی تمدن غرب که اکنون علیه انقلاب اسلامی قیام نموده را برای همه تبیین کنیم، تا همگی در جهت حفظ و قدرشناسی از نعمت انقلاب اسلامی قدمی را برداشته و به توفیق الهی حافظ نعمت انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، که خون‌بهای صدها هزار شهید است، باشیم.

فرضیه فرعی تحقیق عبارت است: تمدن غربی و انقلاب اسلامی دو حقیقتی هستند که فی‌الجمله از نظر ذاتی متمایز از یکدیگرند و به‌نوعی متخاصم، که بقای یکی در نابودی دیگری است. فرضیه اصلی عبارت است: به تحقیق استمرار و رشد کارآمدی انقلاب اسلامی موجب زوال تمدن غرب خواهد شد. همچنین پژوهش‌گران در منابع موجود به موضوع چستی انقلاب اسلامی و چیستی تمدن غرب به‌طور جداگانه و یا باهم دیگر پرداخته‌اند. ولی از جهت کارآمدی انقلاب اسلامی و جلوه‌های این کارآمدی در برابر تمدن غرب سلطه‌گر به‌طور مستقل و به‌ویژه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اقدامی نشده است. که در این نوشتار با روش جمع‌آوری اطلاعات از منابع موجود و تبیین مسئله تحقیق با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به‌ویژه بیانیه گام دوم و صاحب‌نظران اسلامی و غیر اسلامی استفاده خواهد بود.



۱. سلطه تمدن غرب و جنبش‌های اسلامی

پيامد ۱۰ قرن حاکمیت کلیسا به عنوان قرون وسطی موجب دین‌گریزی جامعه گردید، زیرا با حاکمیت مسیحیت تحریف‌شده، ناسازگاری آموزه‌های دینی با عقل و مخالفت با علم، خشونت و تفتیش عقاید، فساد مالی و اخلاقی حاکمان کلیسا و ... از جمله عوامل زمینه‌ساز روی‌گردانی مردم از دین در غرب گردید. در دوره رنسانس برخی از فرصت‌طلبان با تمسک به قرون وسطی، دین‌ستیزی و تقدس‌زدایی را هدف خود قرار داده و به جای دین، اساطیر یونانی را خاستگاه اندیشه رنسانس معرفی نمودند. بخش دیگری هم که متأثر از تمدن اسلامی در اندلس به‌ویژه در حوزه دستاوردهای علمی مسلمانان در مواجهه سپاه مسلمین با صلیبی‌ها در طی دویست سال جنگ به اروپا منتقل شده بود. این آغاز جهش علمی در غرب شد، و انقلاب صنعتی را به دنبال داشت. بنابراین باید گفت پایه‌های تمدن غربی توسط میوه‌های تمدن اسلامی ساخته شده است، و از سوی دیگر این تمدن با حاکمیت بخشی به انسان‌پرستی (اومانیزم) و همراه شدن ایده جدایی دین از سیاست، بر اساس دین‌زدایی و دین‌ستیزی پایه‌ریزی شد، و برای نابودی دین تلاش فراوانی نمودند؛ تاجایی که «نیچه» آلمانی اعلام کرد خدا مرده است و «ساتر» فرانسوی گفت انسان خود خداست و نیز تحولات اجتماعی همانند انقلاب فرانسه، روسیه، چین و ... با ضدیت با دین و حذف دین به وجود آمد. تا جایی که «هانا آرنت» گفت: از ویژگی اصلی انقلاب‌ها، دنیوی بودن و تفکیک دین از سیاست است (آرنت، هانا، ۱۳۶۱: ۳۲). با رشد علم تجربی و قدرت صنعتی به وجود آمده، موجب گردید؛ تمدنی در غرب شکل بگیرد، که از نظر گستردگی انتشار و آرزوی رسیدن به آن در بین جوامع دیگر بی‌نظیر باشد. زیرا قدرت‌های غربی با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و نیز از طریق ساختارهای بین‌المللی و ابزار رسانه و هنر، توانستند سلطه این تمدن را بر دنیا رقم بزنند.

این تمدن بر دوپایه سکولاریسم و لیبرالیسم قرار گرفت که در سکولاریسم انسان نسبت خود را با خدا حذف کرد. و در لیبرالیسم و بنابر اصل پلورالیسم ارتباط انسان با دیگران با اصل آزادی فردی و رهایی از بند کلیسا، مبدأ تحولات یک‌جانبه امروز بشر در غرب گردید.

۱-۱. نقش تمدن اسلامی در شکل‌گیری تمدن غرب

بی‌گمان تمدن امروز غرب وام‌دار تمدن اسلامی است، چنانچه «گوستاو لوبون» می‌گوید: «بعضی‌ها (از اروپائیان) ننگ می‌پندارند که اقرار کنند یک قوم کافر و ملحدی (یعنی مسلمانان) سبب شده



اروپای مسیحی از حال توحش و جهالت خارج گردد و لذا آن را مکتوم نگاه می‌دارند ... نفوذ اخلاقی همین اعراب زائیده اسلام آن اقوام وحشی اروپا را که سلطنت روم را زیروزیر نمودند داخل در طریق آدمیت نمود و نیز نفوذ عقلانی آنان دروازه علوم، فنون و فلسفه را که از آن به‌کلی بی‌خبر بودند به روی آن‌ها باز کرده و تا ۶۰۰ سال استاد ما اروپائیان بودند (لوبون، ۱۳۶۷: ۷۵۱).

دکتر زیگرید هونکه دانشمند شرق‌شناس آلمانی درباره تأثیر اعراب و مسلمانان بر پیشرفت علم در اروپا می‌گوید: تمدن اسلامی که به‌وسیله اعراب شروع شد نه‌تنها ارثیه یونان را از انهدام و خرابی نجات داد و آن را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد، بلکه آنان پایه‌گذار شیمی آزمایشی، فیزیک، جبر، علم حساب، مثلثات فضایی، زمین‌شناسی و جامعه‌شناسی هستند. تمدن اسلامی تعداد زیادی کشفیات گران‌بها و اختراعات در همه بخش‌های علم تجربی که اکثر آن‌ها بعدها نویسندگان اروپایی به حساب خودشان گذاشتند به مغرب‌زمین هدیه کرده است، ولی گران‌بهارترین آن‌ها شاید اسلوب تحقیقات طبیعی باشد که این پیش‌قدمی مسلمانان بود که جای پا برای اروپا باز کرد تا منجر به شناخت قوانین طبیعت و تفوق و کنترل آن گردید (هونکه، ۱۳۷۶: ۲۱۱-۲۱۲).

جان دیون پورت نویسنده، محقق و پژوهشگر انگلیسی قرن ۱۹ می‌گوید: همه می‌دانند که بیشتر از ۶۰۰ سال صنایع و علوم در میان اعراب رونق و شکوه داشت، در صورتی که میان ما (اروپاییان) وحشی‌گری خشن و زننده حکومت می‌کرد و شعله ادبیات به‌کلی خاموش و منتفی بود (دیون پورت، ۱۳۳۴: ۱۲۵).

بنابر این می‌توان گفت تمدن غرب از روزی که پای سفره علوم اسلامی نشست و کتاب‌خانه‌های باشکوه دانشمندان مسلمان را به یغما برد، جان گرفت و جهان را به تسخیر خود درآورد، اما برعکس، تمدن اسلامی از روزی که از هویت خود دست‌شست و از اصل خود دور شد. و طوق بندگی تمدن غرب را به پا بست، به گل نشست و شاهد این شرایط اسف‌بار هستیم. برخی می‌گویند اگر مسلمانان دارای چنین تمدنی بودند چرا غربی‌ها با این تمدن ترقی کردند و خود مسلمین عقب افتادند بعضی با تحلیل مارکسیستی علت را در جبر تاریخ می‌دانند. ولی این غلط است. در یک نگاه تحلیلی باید گفت: عواملی درونی و برون‌ی موجب این انحراف و عقب‌گرد در مسلمانان شده است. ازجمله این عوامل را باید در تفرقه‌گرایی امت اسلامی، بی‌اعتنایی به منابع دینی، ضعف در ریشه‌های اعتقادی و دینداری، ورود و جایگزین شدن فرهنگ بیگانگان به جای فرهنگ ملی و دینی، افراط و تفریط در بین مسلمین، نیاززدگی، شناخت نادرست از دین، ضعف مراکز دینی، بی‌توجهی مسلمین به عوامل



انحراف، وجود حکومت‌ها و حکمرانان و کارگزاران وابسته و فاسد، سلطه استکبار بر کشورهای اسلامی و... جستجو کرد. اگرچه باید توجه داشت، غرب مسیحی از نظر فناوری پیشرفت کردند و با ابزار علم بر دیگران سلطه یافتند. ولی با پشت کردن به دین، از نظر اخلاقی و معنوی سقوط نمودند.

۱-۲. تأثیر تمدن غرب بر کشورهای اسلامی

با پیدایش تمدن نوپدید غرب بر پایه دین‌زدایی، تکیه بر مادیات، تولید صنعت و فناوری، و تشکیل لایه‌های ایدئولوژی متکی بر فلسفه‌های مادی، موجب پیدایش جنگ‌های جهانی اول و دوم شد، و با ایجاد ناآرامی‌ها و تجزیه کشورها و به‌وجودآوردن سازمان‌های بین‌المللی توسط فاتحین جنگ، و از طریق پروتکل‌های بین‌المللی حاکمیت استعماری خود را با شعار دموکراسی استمرار بخشیدند. ایدئولوژی این تمدن درواقع با جدایی دین از سیاست و عرفی‌کردن زندگی بشر، اگرچه از کلیسا شروع شد، ولی به‌کل ادیان کشانده شد. و با تکمیل علوم کاربردی و بهره‌گیری از منابع مادی و معنوی ملت‌ها سعی در تحقیر و استعمار دیگران نمودند. و با تغییر فرهنگ ملی و دینی آن‌ها و به‌ویژه با رخنه این فرهنگ به دنیای اسلام، سلطه خود را سالیان طولانی بر کشورهای اسلامی ادامه دادند. بررسی تاریخی پدیده استعمار در منطقه کشورهای اسلامی بسیار قابل‌توجه و روشنگری برای همه است. استعمارگرانی چون پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، در غرب آسیا و به‌خصوص خلیج فارس برای به دست آوردن منابع ثروت بیشتر، و بادوام، از قرن ۱۶ وارد این منطقه شده‌اند، و به شیوه کهن با زور تسلط پیدا نمودند. استکبار در طی قرن ۱۹ و ۲۰ بخشی مهمی از منطقه غرب آسیا را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود قراردادند. آن‌ها برای استمرار بخشیدن به سلطه خود؛ حتی مرزبندی بین کشورها را بر اساس منافع خود و نیز ویژگی‌های قومی و مذهبی تنظیم نمودند؛ تا انواع درگیری‌ها را بالقوه و بالفعل نگه‌دارند، و از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را دنبال نمایند. تا آنجا که برای مثال کردها را بین سه کشور ایران، عراق و ترکیه تقسیم نمودند. استعمارگران با این اقدامات تزلزل همیشگی در قدرت سیاسی این کشورها ایجاد نمودند و از سوی دیگر با ایجاد و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و مهاجرت دادن یهودیان، توانستند غده‌ای سرطانی در منطقه ایجاد کنند.

استعمارگران در این قرن اخیر به سرکردگی امریکا با حضور مستقیم و غیرمستقیم خود موجب شدند هرگونه تغییر در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه با نفوذ فرهنگی خود، در جهت



غارث منابع طبیعی منطقه مثل نفت و... را از طریق تهاجم‌های نظامی، نهادهای بین‌المللی چون سازمان بین‌الملل، و نهادهای وابسته به آن مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و... هدف خود را دنبال کنند (ولایتی، ۱۳۹۷: ۲۲۵).

در برابر این سلطه غرب در بین کشورهای اسلامی، نهضت‌های اصلاح‌گرایانه در این دوره معاصر پدیدار گردید. استاد مطهری درباره ماهیت نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر می‌گوید: بدیهی است که جنبش‌های که داعیه اصلاح داشته‌اند، یکسان نبوده‌اند. برخی داعیه اصلاح داشته و واقعاً هم مصلح بودند و برخی برعکس، اصلاح را بهانه قرارداده و افساد کردند. برخی دیگر در آغاز جنبه اصلاحی داشته و سرانجام از مسیر اصلاحی منحرف شده‌اند.

از حدود قرن ۱۹ یک جنبش اصلاحی در جهان اسلام در کشورهای ایران، مصر، سوریه، لبنان، آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان آغاز شده است که تا حدی عکس‌العمل هجوم استعمار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب بوده و نوعی بیدارسازی و تجدید حیات (رنسانس) در جهان اسلام به شمار می‌رود. در جامعه عربی - سنی مهم‌ترین قهرمانان اصلاح‌گری به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. نهضت سید جمال‌الدین اسدآبادی

۲. شیخ محمد عبده

۳. شیخ عبدالرحمن کواکبی

افراد دیگری هم که داعیه اصلاح داشتند، خود را پیرو این‌ها خصوصاً سید جمال می‌دانند ولی اهمیت زیادی را نیافته و برخی از آن‌ها دچار انحراف شدند و به جای اصلاح، افساد کردند. زیرا دچار اندیشه‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری شدند، که پیروی از سنت سلف را تا حد تبعیت از ابن تیمیه حنبلی تنزل دادند و روح مبارزه با استعمار و استبداد را به مبارزه با عقاید مخالف حنبلی‌ها و مخصوصاً ابن تیمیه تبدیل نمودند و بدین طریق اندیشه اصلاح در کشورهای اسلامی افول کرد (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۵).

۱-۳. تأثیر تمدن غرب بر کشور ایران

در این میان موقعیت خاص و ژئوپولیتیک ایران به عنوان چهارراه جهان بسیار مورد توجه استعمارگران بوده و هست. چنانچه هنوز از نظر آن‌ها موقعیت ایران به عنوان هارتلند دنیا شناخته می‌شود. بدین خاطر ایران در این تهاجم غرب بیشترین آسیب را دیده است، تا جایی که گاه ایران توسط یک یا

چند کشور استعمارگر به‌طور کامل اشغال نظامی می‌گردید، چنانچه در دوره قاجار با شکست نظامی ایران از روسیه و انگلستان، شاهان قاجار برای حفظ و ثبات خود امتیازات زیادی به آن‌ها داده تا جای که ایران را به حالت نیمه استعماری مبدل ساختند. اولین تعامل تمدن غرب با ایران در دوره حکومت قاجار و با ظهور طبقه روشن‌فکرها و انفعال شاهان بود، که توانستند اولین ضربات سیاسی، فرهنگی را بر جامعه ایران بزنند.

با روی کارآوردن خاندان پهلوی و نیز با تعیین سیاست‌های با رویکرد دین‌زدایی و اسلام‌ستیزی از طریق ایجاد و حمایت، از فرقه‌های چون بهائیت که بر ارکان مختلف کشور مسلط بودند و... و نیز در زمینه فرهنگی با برنامه دیکته شده‌ای مثل تغییر زبان و متحدالشکل کردن لباس مردان و کشف حجاب اجباری زن‌ها و... این سلطه بیگانگان به سرعت به اوج خود رسید، تا جایی که ایران برای آمریکا جزیره‌ای امن معرفی می‌گردد.

۱-۴. جنبش‌های اصلاح‌گرایانه دینی در تاریخ معاصر ایران و نتایج آن

از دوره قاجارتا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سه جریان عمده وجود دارد

۱. جریان حاکمیت و حکومت‌های قاجار و پهلوی
 ۲. جریان روحانیت و مرجعیت شیعه
 ۳. جریان روشن‌فکری که به دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. و غیردینی شامل گروه‌های مارکسیسم، لیبرالیسم، و التقاطی‌های فکری است.
- در تاریخ معاصر ایران سه قیام اصلاحی با رویکرد دینی و گاه ملی اتفاق افتاده است، که ماهیت و نتایج آن‌ها در نهایت زمینه‌ساز انقلاب اسلامی گردید.

الف) تحریم تنباکو (۱۲۷۰): در پی قرارداد انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو در داخل و خارج ایران به مدت ۵۰ سال به شرکت رژی که با حضور هزاران نفر مرد وزن انگلیسی در ایران بود. می‌بایست اکثریت کشاورزان ایرانی محصولات خود را ارزان به آن‌ها بفروشد و محصولات موردنیاز خود را به قیمت گران از آن‌ها بخرند. این قرارداد استقلال ایران را به مخاطره انداخت و با اعتراض مردم روبه روشد. و با حضور روحانیت و نیز حکم تحریم تنباکوی میرزای شیرازی موجب لغو این امتیاز استعماری شد. و اولین نهضت مردمی با حضور روحانیت به بار نشست که نیایح زیر را در پی داشت:

- سرآغاز بیداری و تولد سیاسی مردم
- اثبات شکست‌پذیری نظام استبداد داخلی و استعمار خارجی
- اثبات کارآمدی دین در صحنه سیاست
- ظهور اقتدار سیاسی روحانیت و مرجعیت شیعه
- تزلزل در قدرت و مشروعیت حکومت قاجار
- زمینه‌سازی برای نهضت مشروطه

ب) نهضت مشروطه: سال‌های استبداد و بی‌کفایتی قاجار و تحمیل قراردادهای ننگین از طرف بیگانگان و ناهنجاری‌های داخلی، مردم را به اعتراض کشانید، و با حمایت علمای بزرگ، شاه را مجبور به تسلیم در برابر خواسته مردم نمود، و فرمان مشروطه را صادر کرد، ولی با عدم آگاهی کافی مردم و دخالت‌های روس‌ها و با اختلاف‌افکنی انگلیسی‌ها بین علما و نفوذ روشنفکران غرب‌زده و دوقطبی‌سازی در جامعه، زمینه سرکوب مردم و دستگیری رهبران مشروطه و با به‌دارکشیدن تنها مدافع «مشروطه مشروعه» شیخ فضل‌الله نوری، موجب انحراف مشروطه شدند. و مشروطیت نه آن چیزی شد که علمای اسلامی می‌خواستند و نه آن چیزی که برخی از روشنفکران می‌خواستند. و در نهایت به استبداد رضاخان منجر شد. و این فرجام، تأثیر زیادی بر تحولات بعدی گذاشت.

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) تحلیل بسیار قابل توجه را از نهضت مشروطه ارائه می‌نمایند، در اینجا به محورهای آن اشاره می‌گردد؛

- مشروطیت اولین حادثه استثنایی بعد از ورود اسلام به ایران است؛
- انگلیسی‌ها حادثه و تاریخ مشروطیت را تحریف کردند. زیرا از نهضت مردمی و دینی که مخالف سلطه اجنبی بود، یک چیز وابسته به بیگانه‌ها به وجود آوردند؛
- در ایجاد مشروطیت، علما نقش اساسی داشتند. از علمای نجف مرحوم آخوند خراسانی و در تهران سه نفر از علما؛ یعنی شیخ فضل‌الله نوری، بهبهانی و طباطبایی از پیشوایان مشروطه بودند؛

➤ مشروطه با حضور و دخالت اجنبی‌ها مخالف بود. واقعاً مردم از قضایای زمان فتح‌علی‌شاه و جنگ‌های ایران و روس و عهدنامه ترکمانچای و حضور انگلیسی‌ها و مجذوب‌شدن سران حکومت به آن‌ها، دل پر از خون داشتند؛



➤ علما با یکدیگر در اصل مشروطیت هم‌نظر بودند ولی در روش‌ها و تاکتیک‌ها اختلاف‌نظر داشتند. دولت انگلیس بانفوذ خود و حمایت از روشن‌فکران وابسته طرح براندازی خود را اجرا نمود، و سبب شد شیخ فضل‌الله به‌دار کشیده شود، سید عبدالله بهبهانی در خانه‌اش ترور شود و سید محمد طباطبایی در انزوا از دنیا برود؛

➤ به شیخ فضل‌الله نوری خیلی ظلم شده است. زیرا به او اتهام مخالف مشروطه زدند درحالی‌که او جزء مؤسسين وفرد بسیار مؤثر و مدافع مشروطه بود. (دیدار محققان و دانش‌پژوهان تاریخ و اندیشه سیاسی حوزه و دانشگاه ۱۳۸۲/۵/۱۳ و در دیدار با مردم قم ۱۳۷۹)

ج. نهضت ملی‌شدن نفت: با سقوط رضاخان و بازشدن فضای سیاسی کشور و مخالفت با واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی و نفوذ انگلیسی‌ها و حضور آیه‌الله کاشانی و مصدق در مجلس زمینه ملی‌شدن نفت ایجاد شد. پس از ۵۰ سال، سلطه انگلستان کوتاه شد. دشمن اقدام به توطئه کرد که با ایجاد آشوب داخلی و تحریم اقتصادی ولی موفق نشدند. و دولت مصدق تشکیل شد. دشمن با عوامل نفوذی خود ایجاد اختلاف بین مردم نمود و با نبودن رهبر واحد، طرح براندازی برای حذف جریان مذهبی، با جداشدن مصدق از آیه‌الله کاشانی و اعتماد به آمریکایی‌ها موجب اختلاف در بین دو رهبر نهضت شد. و درنهایت با استعفای مصدق زمینه کودتا ایجاد گردید. و در مقابل با اتحاد آمریکا و انگلیس، دولت مصدق سرنگون شد و موجب استمرار سلطنت شاه و سلطهٔ گسترده‌تر غرب بر ایران گردید. اگرچه ازجمله دستاوردهای نهضت، به‌ظاهر ملی‌شدن نفت بود، ولی درواقع به شکل دیگر غارت نفت ادامه یافت و نیز فهمیده شد چگونه اعتماد به بیگانه غلط و موجب شکست خواهد شد. و همچنین ائتلاف مقطعی بین جریان روحانیت و ملی‌گرایان تجربه‌ای پرسود برای آینده شد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲-۳۹).

در یک جمع‌بندی از این نهضت‌های دوره معاصر باید گفت؛ اندیشه‌های مختلف به‌ظاهر دینی، غرب‌گرا، ملی‌گرا، سستی‌گرا، و... پا به عرصه جامعه گذاشتند و ناکامی خود را برای نجات و اصلاح واقعی جامعه آشکار ساختند. جامعه ما با این‌همه تجربه تاریخی و نگاه عمیق به نقش اسلام ناب محمدی (ص) راه خود را پیدا نمود، و تنها با تمسک به اسلام انقلابی و با رهبری دینی مثل امام خمینی (ره) توانست انقلاب اسلامی را با ویژگی‌های منحصربه‌فرد آغاز و به پیروزی برساند. درودی از اعماق دل براین ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود (بیانیه گام دوم)

۲. نگاهی به جلوه‌های کارآمدی انقلاب اسلامی ایران

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌گویند: «برای همه‌چیزی می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است.»

مهم‌ترین اصول و مبانی انقلاب اسلامی عبارت است از:

- اسلام ناب محمدی؛ (ص)
- عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد؛
- اصل برجسته ولایت مطلقه فقیه؛
- نه شرقی و نه غربی بودن؛
- استقلال و آزادی؛
- مردم‌سالاری دینی؛
- استکبارستیزی؛
- حمایت از مستضعفان و جبهه مقاومت؛
- جهانی بودن.

اصول و مبانی انقلاب اسلامی را باید در پیام‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی^(ره) و شعارهای انقلابی و مطالبات اسلامی مردمی، و در جایگزینی رژیم پهلوی جستجو باید کرد. و امروز تبلور آن را در قانون اساسی که نمونه مکتوب از آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی، مؤلفه‌ها، ساختار سیاسی با محوریت ولایت فقیه، و... که از طریق نمایندگان و خبرگان مردم تدوین و درنهایت با رأی اکثریت مردم به‌عنوان میثاق ملی شناخته می‌شود. و در ضمن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله مصوب در سال ۸۲ که افق ایران در ۱۴۰۴ را بیان می‌کند و ایران را کشوری رشد یافته با رتبه اول در منطقه هدف‌گذاری نموده است. و نیز سیاست‌های راهبردی و ابلاغی مقام معظم رهبری در موضوعات مختلف، به‌عنوان اسناد بالادستی و برنامه‌های کلان نظام اسلامی، جهت اجرایی شدن آن اصول و مبانی خواهد بود، باید جستجوی کرد. و از سوی دیگر حضور مستمر مردم در صحنه حمایت از انقلاب اسلامی و حضور اکثریت آن‌ها در بیش از سی و اندی انتخابات و دفع تهاجم دشمنان خارجی و رفع فتنه‌های داخلی در حفظ نظام اسلامی را باید تماشا کرد.

تازمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، نقش دین و فرهنگ در تحولات انقلابی موردتوجه نظریه‌پردازان پیرامون انقلاب‌ها نبود. ولی انقلاب اسلامی تحولی را در این زمینه ایجاد نمود. از مجموع نظریه‌های پیرامون انقلاب و علل وقوع و مسائل پس از انقلاب، می‌توان چهار تأثیر عمده انقلاب اسلامی را در این‌باره مورد ملاحظه قرارداد:

۱. تبدیل نظریات ساختاری انقلاب‌ها
۲. شکل‌گیری نسل چهارم نظریه‌های انقلاب
۳. نظریه‌های پست‌مدرن درباره انقلاب
۴. شکل‌گیری رهیافت فرهنگی در تبیین انقلاب

در سه مورد اول به‌نوعی به نقش فرهنگ و ایدئولوژی در صورت‌بندی انقلاب‌های اجتماعی توجه کرده‌اند، اما هیچ‌کدام، فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ دینی را در مرکز تحلیل و علل انقلاب‌ها قرار نداده‌اند، ولی انقلاب اسلامی با رهیافت فرهنگی و عقاید اسلامی و به‌طور مشخص مکتب تشیع را در مرکز تحلیل انقلاب قرارداد. و در این انقلاب برجستگی و اهمیت عناصری مانند فرهنگ، دین و ایدئولوژی، رهبری دینی را آشکار کرد. زیرا برخلاف نظریه‌های قبلی پیرامون انقلاب‌ها، در انقلاب اسلامی، عنصر فرهنگ و دین را عامل ایجاد و مهم‌ترین علل این انقلاب می‌داند، نه عوامل اقتصادی، طبقاتی و... آن‌گونه که در بروز انقلاب‌ها دیگر مؤثر بوده است.

فصل مشترک رهیافت فرهنگی در انقلاب اسلامی، وجود اسلام و مکتب تشیع به‌عنوان عامل اصلی شناخته‌شده است. و تلاش عالمان دینی (روحانیت مبارز) و روشنفکران دینی برای ارائه چهره صحیح از اسلام و تحریف‌زدایی از آن و پذیرش اسلام ناب محمدی (ص) از سوی مردم انقلابی و به اوج رسیدن ایمان اسلامی در بین مردم عامل اصلی ایجاد انقلاب گردید. اگرچه عوامل دیگری چون استبداد و استعمار، فقر، فساد و... در سرعت‌بخشیدن به این حرکت به‌عنوان عوامل فرعی و جزئی شناخته می‌شود. بنابراین تطبیق نظریه‌های دیگر انقلاب‌ها بر انقلاب اسلامی ناکارآمد و غیرقابل قبول بوده است (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۲۱۳).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده

و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است.»

۳. غروب تمدن غرب

انقلاب اسلامی با تحولی بنیادین و سیر تحولی خود را، از شروع انقلاب و به پیروزی رساندن آن، و تشکیل نظام اسلامی، پشت سر گذاشته و اکنون در مرحله تکمیل دولت اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی قدم برمی‌دارد و از سوی دیگر در برابر این رشد فزاینده انقلاب اسلامی، غرب دچار چالش‌های فکری، ارزشی، عملی شده است. و تمدن غربی را موجب تزلزل وافول نموده است. ازجمله عوامل این تزلزل عبارت است:

- وجود بحران‌های گسترده اخلاقی و معنوی؛
 - تعارض‌های عملی غرب با شعارهای داده‌شده در تمدن غربی؛
 - به‌کارگیری زور، خشونت و سرکوب مثل حمله به ویتنام، افغانستان، عراق و ...؛
 - جریان‌سازی تروریسم در کشورهای اسلامی مانند: القاعده، طالبان، داعش و ...؛
 - مأیوس شدن مردم از تمدن و نظام غربی و گرایش روزافزون به مذهب، معنویت، و اسلام به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی؛
 - ناتوانی غرب در مقابله با قیام و مقاومت و ایستادگی ملت‌ها؛
- حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۲۵).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «آن روز که جهان میان غرب و شرق مادی تقسیم‌شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.» و نیز می‌فرماید: «(انقلاب) آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش



ناکام ماند. یکی از آن دو کانون دشمنی نابودشده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهد، دست و پنجه نرم می‌کند.»

۴. حفظ و استمرار کارآمدی انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: انقلاب اسلامی همچون پدیده زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدپذیر و اهل انفعال نیست. جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند است.

انقلاب اسلامی سرآغاز فصل نوینی از انقلاب‌هاست زیرا خود از بزرگ‌ترین انقلاب‌ها سیاسی، اجتماعی و دینی قرن‌های اخیر بشریت می‌باشد. انقلاب اسلامی با ماهیت خود توانسته چهار دهه به حرکت خود ادامه دهد و از مسیر خود خارج نشود. درحالی‌که انقلاب‌های بزرگ دنیا در دهه‌های اول اهداف، آرمان‌ها و خط فکری خود را از دست دادند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «(انقلاب اسلامی) تنها انقلابی که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود» همچنین در ادامه می‌فرماید: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.»

۴-۱. کارآمدی انقلاب اسلامی در برابر انواع تهاجم غرب

امروز محصول تمدن غرب فراروی ماست که با سلطه‌گری می‌خواهد همان رفتاری را که با مسیحیت در غرب کرد، امروز با اسلام در شرق بنماید. زیرا تنها مانع ایدئولوژیک سر راه خود را مکتب اسلام ناب محمدی (ص) می‌داند، که امروز در انقلاب اسلامی متبلور گشته است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» پاسخ اسلام ناب شیعی به این تمدن سلطه‌گر غرب، از ایران با پیروزی

انقلاب اسلامی داده شد. و از آغاز تاکنون در جنگ اراده‌ها، تقابلی دوطرفه برای حذف دیگری ایجاد نموده است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «بدین گونه (با انقلاب اسلامی) مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد»

غرب با تمام قدرت خود به تهاجمی فراگیر علیه اسلام و نظام اسلامی روی آورده است و هرگونه اقدامی را برای تضعیف، مهار یا استحاله و براندازی انقلاب اسلامی انجام می‌دهد، چون هستی خود را درخطر اضمحلال و نابودی می‌بیند. در این مدت باگذشت چهل واندی سال از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی استکبار را، در اهداف خود ناکام ساخت، و در برابر تهاجم غرب، توانست به ماهیت خود استمرار بخشد. و در این جنگ اراده‌ها، نه تنها به حیات خود ادامه داد؛ بلکه تمدن غرب را دچار چالش‌های متعدد نمود.

نتیجه‌گیری

دریک جمع‌بندی کلی باید گفت؛ تمدن غربی با بهره‌گیری از تمدن اسلامی و با حاکمیت بخشی به انسان‌پرستی، ایده جدایی دین از سیاست، بر اساس دین‌زدایی و دین‌ستیزی پایه‌ریزی شد، و برای نابودی دین تلاش فراوانی نمود. تأثیرسلطه تمدن غرب برکشورهای اسلامی و ایران، موجب پیدایش جنبش‌های اصلاح‌گرایانه دینی معاصر شد، به‌طورکلی ماهیت این نهضت‌ها، اندیشه‌های مختلف به‌ظاهر دینی، غرب‌گرا، ملی‌گرا، سنتی‌گرا و ... بود و هرکدام به‌نوعی و در شرایطی پا به عرصه جامعه گذاشتند و بخشی‌های از مردم با آن‌ها همراهی نمودند، ولی ناکامی خود را برای نجات و اصلاح واقعی جامعه آشکار ساختند. در این مرحله جامعه ما با این‌همه تجربه تاریخی و نگاه عمیق به نقش اسلام ناب محمدی (ص) راه خود را پیدا نمود، و تنها با تمسک به اسلام انقلابی و با رهبری دینی مثل حضرت امام خمینی (ره) توانست انقلاب شکوهمند و بی‌نظیر اسلامی را با ویژگی‌های منحصربه‌فرد، آغاز و به پیروزی برساند. و جهان را وارد به عصر جدید نماید.



فهرست منابع

- قرآن کریم
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، *بیانیه گام دوم انقلاب ایران خطاب به ملت ایران*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).
- ارنست، هانا (۱۳۶۱)، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله، فولادوند، تهران، نشر خوارزمی.
- شجاعیان، محمد (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی*، تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریه‌های انقلاب، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، علیرضا؛ بکتاشیان، جلال (۱۳۹۶)، *انقلاب اسلامی در آینه پرسش و پاسخ*، مؤسسه فرهنگی، پژوهشی صبح امید آتیه.
- دیون پورت، جان (۱۳۳۴)، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران.
- لوبون، گوستاو (۱۳۶۷)، *تاریخ تمدن اسلام و غرب*، ترجمه سیدهاشم حسینی، تهران، کتاب‌فروشی، اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری*، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر*، انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- نصری، محسن (۱۳۸۷)، *ایران دیروز، امروز، فردا*، قم، نشر معارف.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۷)، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
- هونکه، زیگريد (۱۳۷۶)، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه مرتضی رهبانی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۵.

